

اوستاشو!

در شماره قبل گفتیم، ترسیدن از مسئولیت‌ها و شانه‌خالی کردن از آن‌ها چه تأثیری بر وجهه کاری ما دارد. همچنین، در مورد صداقت و نحوه برخورد هم صحبت کردیم. در نهایت در مورد انعطاف‌پذیری و رسیدگی به شرایط ظاهری خود صحبت کردیم. حالا در این شماره می‌خواهیم در مورد مقوله‌های دیگر مباحث کاری صحبت کنیم؛ موضوعاتی که ممکن است در جریان کار باشند یا نباشند، اما در نهایت شخصیت و وجهه کاری ما را شکل می‌دهند.

شناخت موقعیت‌ها و شرایط

برای شروع در ابتدا باید نکته‌ای را برای شما بازگو کنیم.

همه ما انسان‌ها در شرایط و مواقعی کم‌حوصله و کم‌انرژی هستیم؛ مواقعی که روز خوبی نداشته‌ایم یا اوضاع به وفق مراد ما نبوده است؛ به دلایلی همچون بحث در خانه با اعضای خانواده یا کلافگی ناشی از ترافیک و مشکلات شخصی و فکری، که در زندگی روزانه هر کسی پیش می‌آید.

با این اوصاف، وقت‌شناسی و درک حال هم‌دیگر موضوع بسیار مهمی است.

فرض کنید شما کارمند مجموعه‌ای بزرگ یا کوچک هستید و با تعدادی از همکارانتان در یک اتاق مشغول کار هستید.

در این شرایط، یکی از همکاران شما دچار مشکلی شده است و از لحاظ روحی در شرایط خوبی نیست. ما به عنوان همکار او باید حال او را درک کنیم و اگر فشار کاری روی اوست، مسئولیت‌هایش را تا بهبود اوضاعش به عهده

بگیریم و فشار را از روی او برداریم. این بار تصور کنید شما می‌خواهید برای یک مسافرت خانوادگی یک روز از کارفرما مرخصی بگیرید. در شرایط عادی، شاید این درخواست شما به سرعت مورد قبول کارفرما یا مدیر بخش شما باشد، اما اگر نحوه بیان شما مناسب نباشد یا به فرض مدیرتان در شرایط استرس کاری یا روحی زیاد باشد، درخواست منطقی شما با مخالفت مواجه شود و به ضررتان تمام شود.

پس باید بدانیم، هرخواسته و درخواست ما باید با لحن و در شرایط مناسبی بیان شود تا بتوانیم به آن برسیم.

نکته کوچک: برای کارکردن در محیط‌های جمعی، برای ما بهتر است بتوانیم روان‌شناسی رفتار انسان‌ها را بدانیم. دانستن شیوه تحلیل رفتار متقابل، نه تنها در کار، بلکه در زندگی هم به ما کمک زیادی می‌کند.



اهمیت تأثیر پذیری از محیط

محیط کاری از آن مباحثی است که کمتر به آن پرداخته شده است. شما ممکن است یک انسان تودار و کم صحبت باشید و ممکن است یک انسان اجتماعی باهوش اجتماعی بالا باشید. همه این‌ها با توجه به شغلی که انتخاب می‌کنید و شرایطی که محیط مدنظران دارد بسیار مهم است.

اگر شما انسان تأثیرپذیری باشید، شرایط محیط کاری بسیار برایتان مهم خواهد بود. به‌طور مثال در محیط کاری بسته که همکاران به‌اصطلاح خشکی دارید، شما زود خسته می‌شوید و بازده کارتان پایین می‌آید و برعکس، اگر شما علاقه‌ای به برقراری ارتباط با محیط و همکاران خود ندارید، نباید به کار در محیطی همانند مدرسه، یا فروشگاه بپردازید.

درجایی که کارها به‌صورت تیمی انجام می‌شود، دوستی همیشه می‌تواند پاسخ‌گوی مشکلات باشد.

توصیه ما به شما این است که همیشه منعطف باشید تا بتوانید موقعیت‌های خوب را شکار کنید. اگر انسان منعطفی نیستید و علاقه‌ای به کار تیمی ندارید، بهتر است کار آزاد خود را داشته باشید یا شغلی داشته باشید که محیط اطرافتان خلوت باشد و بازده کاری شما را خراب نکند. اما اگر اجتماعی هستید و فکر می‌کنید در برقراری روابط با همکاران و کار تیمی و اعتماد کردن به گروهتان برای شما کار سختی نیست، چه بسا خوشایند هم باشد و در این صورت شما می‌توانید برای راحت‌تر کار کردن و تأثیر منفی نگرفتن از محیط کاری، وارد دسته مشاغل انفرادی نشوید.

اثبات کردن خود به دیگران

تمام مولفه‌های جامعه بر اساس نظام معیار اسلامی است که متریان برای دستیابی به مراتب حیات طیبه جهت درک موقعیت خود و دیگران و عمل فردی و جمعی برای بهبود مستمر آن، باید این گونه صفات و توانمندی‌ها را کسب کنند.

بخواهیم برایتان کامل‌تر توضیح بدهیم، می‌شود با یک مثال این مقوله را کامل کرد. فرض کنید موقعیتی پیش آمده و نیاز است یک کار سریعاً و بدون نقص انجام شود.

حال اگر شما بتوانید در حداقل زمان بهترین عملکرد را نشان دهید و وظیفه خود را به پایان برسانید، آن موقع می‌توان گفت که شما در محیط و شرایط درستی توانسته‌اید خودتان را اثبات کنید.

منظور از موقعیت، وضعیت مشخص، پویا و قابل درک و تغییری است که حاصل تعامل پیوسته فرد به منزله عنصری آگاه، آزاد و فعال با خداوند و گستره‌ای از جهان هستی (خود، طبیعت و جامعه) در محضر خداوند متعال است (که حقیقتی برتر و خالق همه جهان و فراتر از همه موقعیت‌هاست).

بنیان نظری تحول راهبردی در نظام تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران - ص ۴۴

به سراغ یکی دیگر از چالش‌ها و نکات مسائل کاری و غیرکاری برویم.

وقتی می‌گوییم اثبات خود به دیگران، به این معنی نیست که ما برای اثبات خودمان و انگیزه‌ها و توانایی‌مان باید کار خاصی بکنیم تا توجه آن‌ها به ما جلب شود. اینکه ما بتوانیم از خودمان شخصیت قوی و مثبتی در کارمان بسازیم، به خودی خود موجب می‌شود قابل اعتماد باشیم و گزینه اول هر بخش برای انجام امور آن‌ها. اما رسیدن به این مهم سخت است. همانند پندبازی در لبه یک دره که باید همیشه کنترل شده باشد. داشتن شخصیت ثابت و استوار خوب است، اما باید بدانیم در چه جایی و مکانی توانایی انعطاف داشته باشیم و بتوانیم موقعیت‌های درست را تشخیص دهیم.

اگر در موقعیت‌های درست بتوانیم خودمان را به خوبی اثبات کنیم، آنگاه می‌شود روی قابلیت‌ها و توانایی‌های ما حساب کرد.

در بخش کلیات سند تحول بنیادین به نام «شایستگی‌های پایه» آمده است: مجموعه‌ای ترکیبی از صفات و توانمندی‌های فردی و جمعی ناظر به همه جنبه‌های هویت (عقلانی، عاطفی، ارادی و عملی) و نیز

